



بررسی تطبیقی رویکردهای توانمندسازی زنان روسپی

اسماعیل قربانی

فارغ التحصیل دکترای جامعه شناسی اقتصادی و توسعه از دانشگاه فردوسی مشهد

Sociology_ghorbani@yahoo.com

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی رویکردهای توانمندسازی زنان روسپی در ایران می پردازد.. جهت جمع آوری اطلاعات از روش مطالعه اسنادی و مشاهده ای و جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. بر اساس بررسی و تحلیل محتوای اسناد و دستورالعمل های مربوط به دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی سه نوع مدل توانمندسازی زنان روسپی از سطح خرد تا کلان استخراج و دسته بندی شده است: الف- توانمند سازی فرد محور که بر اساس مددکاری فردی و تئوری های روانشناختی استوار است. ب- رویکرد توانمند سازی خانواده محور که بر اساس تئوری های روانشناختی و خانواده درمانی استوار است و نهایتاً ج- رویکرد توانمندسازی اجتماع محور که بر اساس تئوری های جامعه شناختی استوار بوده و به عنوان بهترین و موفق ترین شیوه توانمندسازی زنان روسپی مطرح می گردد که باید در برنامه های سازمان بهزیستی به منظور موفقیت در امر توانمندسازی زنان روسپی برجسته تر دیده شود.

واژگان کلیدی: زنان روسپی، توانمندسازی فرد محور، توانمندسازی خانواده محور، توانمندسازی

اجتماع محور



طرح مساله

روسپیگری یا همان ارائه خدمات جنسی به دیگران در مقابل دریافت پول (تیلور^۱، ۲۰۱۰، قیوم^۲، ۲۰۱۳) به عنوان یک مساله اجتماعی پیچیده و چند سطحی مطرح است که گستره ابتلای به آن از سنین کودکی تا سالمندی را در بر می گیرد. بر اساس آمار منتشره در سال ۲۰۱۰ سن ورود زنان به روسپیگری در کشور انگلیس ۱۲ سال اعلام شده است. بر اساس همین آمار بیش از ۷۵ درصد زنان روسپی در انگلستان قبل از ۱۸ سالگی روسپیگری را شروع کرده اند (تیلور، ۲۰۱۰). در کشورهای هم چون کانادا و آمریکا سن روسپیگری به ۱۴-۱۵ سالگی کاهش پیدا کرده است (سلز^۳، ۲۰۱۶). مطالعه پدیده روسپیگری در سطح بین المللی نشان دهنده آمار بالا و افزایشی آن می باشد؛ مطابق آمار سازمان بهداشت جهانی در کشور چین در حال حاضر قریب به چهار تا شش میلیون فرد روسپی مشغول ارائه خدمات جنسی به دیگران می باشند. (سلز، ۲۰۱۶).

در سطح ملی آمارها حکایت از افزایش آمار روسپیگری و انحرافات اخلاقی در بین زنان در چند دهه اخیر دارد: در یک بررسی که در سال ۸۹ صورت گرفته نشان می دهد تعداد زنان با جرایم اخلاقی از ۱۴ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۲۶ درصد از کل جرایم زنان در سال ۱۳۸۰ رسیده که همراه با جرایم مربوط به مواد مخدر بالاترین نوع جرم زنان به شمار می رود (جربانی، ۱۳۸۹). همچنین بر اساس آمار سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۵ قریب به ۲۲۰۰ زن روسپی به منظور بازپروری وارد مراکز این سازمان شده اند که حدود ۳۰ درصد آن افرادی هستند که برای چندمین بار وارد این مراکز می شوند (بهزیستی کشور، ۱۳۹۶). پدیده روسپیگری پیامدهای اجتماعی فراوانی از جمله افزایش تعداد بیماران مقاربتی و ایدزی، کم شدن آمار ازدواج و افزایش نرخ طلاق، تولد کودکان خیابانی و افزایش سقط جنین های غیرقانونی و... می شود. البته این سقط جنین ها می تواند مشکلات جسمی و نازایی برای زنان ایجاد کند. روسپیگری همچنین تعداد کودکان مجهول الوالد و فاقد شناسنامه را افزایش می دهد. این کودکان مشکلات روحی و روانی زیادی دارند و برای جامعه مسئله زا می باشند (قیوم و دیگران، ۲۰۱۳). روسپیگری به شکل قانونی آن نیز دارای آثار زیان بار اجتماعی است؛ بر اساس یک مطالعه که در ۱۵۰ کشور دنیا صورت گرفته است نشان می دهد بین وجود روسپیگری قانونی و افزایش قاچاق انسان رابطه وجود دارد (چوو، ۲۰۱۳). این امر نشان دهنده پیچیدگی مساله روسپیگری و دشواری مداخله در این حوزه می باشد.

یکی از مهمترین مباحث در زمینه رابطه بین آسیب اجتماعی زنان خصوصا روسپیگری و توسعه اقتصادی- اجتماعی جامعه هزینه اقتصادی بالای دولت برای کنترل و کاهش آسیب اجتماعی زنان و نیز بررسی چگونگی ورود این زنان به چرخه تولید اقتصادی جامعه است. بر اساس سند کنترل و کاهش آسیب اجتماعی بهزیستی کشور پیشگیری از آسیب های اجتماعی در سه سطح صورت می گیرد: سطح اول مربوط به آگاه سازی و اطلاع رسانی عمومی دستگاه های دولتی در خصوص آسیب های اجتماعی است. در این سطح بسیاری از دستگاه های دولتی به صورت سالانه برنامه ها و اعتبارات زیادی را صرف پیشگیری از آسیب های اجتماعی می کنند. در پیشگیری سطح دوم برنامه ها بیشتر مربوط به اجرای برنامه های بازپروری و اصلاح آسیب

¹ Taylor

² Qayyum

³ Scelles



دیدگان اجتماعی از جمله زنان روسپی می باشد که سالانه در این زمینه اعتبارات بالایی هزینه می گردد. در سطح سوم رویکرد توانمند سازی در اولویت می باشد و هدف از آن بازگرداندن آسیب دیدگان اجتماعی و زنان روسپی به فرایند تولید اقتصادی جامعه است. اگر دولت در این سطح موفق نباشد و نتواند شرایط اشتغال، مشارکت و توانمند سازی اقتصادی و اجتماعی زنان را فراهم کند امکان بازگشت مجدد زنان به آسیب اجتماعی وجود دارد (بهزیستی خراسان شمالی، معاونت امور اجتماعی، ۱۳۹۴). این امر باعث هدر رفت منابع دولتی و تقبل هزینه های بالای اقتصادی دولت می شود.

براساس آمار بهزیستی کشور سالانه میلیاردها تومان اعتبار صرفا برای مراکز باز پروری زنان سازمان بهزیستی به منظور باز توانی و توانمند سازی زنان روسپی اختصاص داده می شود. علاوه بر بهزیستی دستگاه های دیگری از جمله شهرداری ها نیز در بعضی از شهرها در خصوص باز پروری زنان روسپی فعالیت دارند که قاعدتاً هزینه های بالایی را متقبل می شوند.

علی رغم ارائه برنامه های مختلف در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی و باز توانی زنان روسپی، مانند راه اندازی مراکز مداخله در بحران اجتماعی، فردی و خانوادگی و مراکز بازپروری زنان در بهزیستی (معاونت امور اجتماعی بهزیستی کشور، ۱۳۹۸)، آمارها نشان دهنده افزایش نرخ روسپیگری در سطح کشور به طور کلی و در سطح جامعه مورد مطالعه به طور اخص می باشد به طوری که در چند سال اخیر ورودی مراکز بازپروری به طور قابل ملاحظه ای افزایش داشته است و به نظر باید این طرح و برنامه ها مورد نقد و بررسی جدی تر قرار گرفته و سیاستهای جایگزین در این خصوص ارائه گردد (معاونت امور اجتماعی بهزیستی خراسان شمالی، ۱۳۹۸). در واقع پیشگیری سطح سه مهمترین بخش در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه است که در سطوح مختلف ملی و بین المللی مورد توجه دولت ها و سازمان های غیر دولتی قرار گرفته است. به اعتقاد برخی از اندیشمندان یکی از عواملی که می تواند در ناکارآمدی برنامه های باز توانی و توانمند سازی زنان آسیب دیده موثر باشد این است که بسیاری از قوانین و سیاست های حمایتی توسط سازمان ها و نهادهایی تنظیم و ارائه می گردد که نمی تواند خواسته ها و نیازهای واقعی این قشر از زنان را منعکس کند (دیویی: ۲۰۰۸).

تقویت و گسترش سازمان های غیر دولتی به عنوان یکی از راهکارهای موثر در حمایت و توانمند سازی زنان آسیب دیده اجتماعی (پلومن: ۲۰۰۱) در کشور ما هنوز جایگاه خود را پیدا نکرده است و دولت در نحوه تعامل و ارتباط گیری با بخش غیر دولتی در زمینه ورود به حوزه آسیب های اجتماعی در تعارض بوده و اعتماد لازم را به بخش غیر دولتی ندارد (معاونت امور اجتماعی بهزیستی خراسان شمالی، ۱۳۹۸). یکی از این NGO های موفق DMSC در شهر کلکته می باشد که با همکاری سازمان های دولتی در سطوح ملی و محلی و عومل بخش خصوصی و عمومی مانند پزشکان، حقوق دانان، مشاورین و نیروی



انتظامی یک دامنه کامل از خدمات را برای زنان و دختران در حال بازپروری فراهم کرده است (گاین: ۲۰۰۶).

بازگشت زنان آسیب دیده به جامعه بدون توانمندسازی و ایجاد بسترهای مناسب می تواند باعث ایجاد فقرشدید، طرد اجتماعی و حتی مرگ آنها شود (کارا: ۲۰۰۹). تبعیض اجتماعی و بی عدالتی و نگاه تحقیر آمیز نهادهای حمایتی به زنان و دختران آسیب دیده و محکومیت اخلاقی از دیگر نشانه های عدم برنامه ریزی مناسب در توانمند سازی این قشر می باشد (چاترجی و دیگران: ۲۰۰۶ و کمپادو و دوزما: ۱۹۹۸).

بنابراین مهمترین مساله مورد بررسی در این مقاله چگونگی بر ساخت پدیده روسپیگری و بررسی تطبیقی شیوه های توانمندسازی زنان روسپی است؟ بر این اساس پرسش های زیر قابل طرح است:

- شیوه های مداخله در پدیده روسپیگری کدام است؟
- علل ناکارآمدی سیاستگذاری های اجتماعی در حوزه روسپیگری چیست؟
- انواع راهبردهای توانمندسازی زنان روسپی کدام است؟
- بهترین راهبرد توانمندسازی زنان روسپی کدام است؟

4

چارچوب مفهومی

بیشتر اندیشمندان در تعریف روسپیگری بر انجام نوعی مبادله بین دو نفر تاکید دارند. بر این اساس این اصطلاح به معامله پایاپای و بی بند و بارانه جنسی زنان و مردان به منظور کسب درآمد اطلاق می شود. در واقع اصطلاح دقیق تر آن، تن فروشی است و شخص از این راه کسب درآمد می نماید. به عبارتی انگیزه برای ایجاد روابط جنسی نامشروع و بی بند و باری جنسی و اخلاقی، تأمین معاش می باشد. روسپیگری ارائه خدمات جنسی به دیگران در مقابل دریافت پول (تیلور ۲۰۱۰، قیوم ۲۰۱۳، شجاعی و درویشی، ۱۳۹۵) یا جلب توجه جنسی به هدف کسب نوعی پاداش مالی از سوی فرد روسپی است (اسکات و مارشال ۲۰۰۵). کارگران جنسی^۶ ممکن است مرد، زن یا دو جنسه باشند. بر اساس تعریف استرانگ^۷، دیوالت^۸، سایاد و یربر^۹ (۲۰۰۵) روسپی گری تبادل رفتارهای جنسی از قبیل آمیزش و معامله جنسی در برابر پول می باشد. به گفته آنان رایج ترین نوع روسپی گری به شکل تن فروشی زنان به مردان است و نوع دوم رایج روسپی گری، آمیزش جنسی مردان با مردان، نوع سوم آن، عرضه جنسی مردان به زنان و نهایتاً همجنس بازی زنان با زنان است که البته به ندرت مشاهده می شود.

بنجامین در تعریف روسپی یا فاحشه^{۱۰} می گوید: روسپی، زنی (یا به ندرت مردی) است که مخارج زندگی خود را به طور کلی یا جزئی از طریق تسلیم بدن خویش به دیگران تأمین می کند و باید به این تعریف افزوده شود که این روابط جنسی

4 . Kara

5 . Chatterjee

6 . Sex workers

7 . strong

8 . Diwalt

9 . Said and Yerber

1 . Prostitute



همگانی بدون محبت و موقتی است، وجه آن نقداً پرداخت می‌شود؛ اگر محبت زن در این امر دخالت داشته باشد فاحشگی نام خواهد داشت. این اصطلاح تنها به کسانی اطلاق نمی‌شود که تمام عمر روسپیگری می‌کنند بلکه هر زن یا مردی که در ضمن اشتغال به کارهای دیگر، گاهگاهی با دریافت پول از بیگانگان با آن‌ها همبستر می‌شود، باز طی مدتی که به این رفتار خود اقدام می‌کند روسپی است (بنجامین، ۱۳۴۴ : ۹۰).

الکساندر^۱ (۱۹۸۷) با تاکید بر نقش جامعه و تعاملات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری انواع متفاوت روسپیگری معتقد است اگر چه روسپیگری بعنوان یک حرفه قدیمی یکی از ویژگی‌های مشترک همه جوامع در ادوار تاریخی است اما از نظر محتوا و زمینه اجتماعی و فرهنگی در زمینه روسپیگری تفاوت‌هایی وجود دارد؛ تفاوت در سازماندهی اقتصادی، کاربرد هنجارهای سکس و روابط بین کاربرد اقتصادی و هویت، عواملی هستند که مفهوم و ساختار روسپیگری را درون هر فضای خاص تاریخی شکل می‌دهند. سورات^۲ (۲۰۰۵) نیز معتقد است بر خلاف تفکر رایج، روسپیان جمعیت بسیار ناهمگنی دارند و از زمینه‌های اجتماعی و محیطی بسیار متفاوتی برخوردار هستند.

نقطه اشتراک تمامی تعاریف مربوط به روسپیگری تاکید بر اجتماعی بودن این پدیده، نیازمندی اقتصادی فرد روسپی و انجام نوعی مبادله اقتصادی - اجتماعی است که عمدتاً بین زنان به عنوان عرضه‌کننده و مردان به عنوان مشتری صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر، فحشا عبارت از عرضه خدمات جنسی به فرد دیگر در قبال دریافت پول است.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر پارادایمی مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی و روش تحقیق اسنادی استوار است که بر اساس آن کلیه متون و دستورات عمل‌های مرتبط با دفتر آسیب‌های اجتماعی بهزیستی مورد شامل: دستورات عمل مرکز بازپروری زنان آسیب‌دیده اجتماعی، دستورات عمل مرکز نگهداری دختران بالای هجده سال در معرض آسیب و آسیب‌دیده اجتماعی، دستورات عمل مراکز ندای مهر، دستورات عمل مرکز فوریت‌های اجتماعی و دستورات عمل مراکز مداخله در بحران‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مطالعه قرار گرفته است که بر اساس آن تا مرحله اشباع مطالعاتی پیش رفته است. در واقع روش اسنادی روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج دسته‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود بپردازد. لذا هدف از استفاده از روش اسنادی در این تحقیق بررسی و تفسیر متون مربوط به توانمندسازی زنان روسپی به عنوان یک محصول اجتماعی است.

همچنین از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل متون استفاده گردید؛ نهایتاً مفاهیم در سه بخش دسته‌بندی گردید که در بخش یافته‌ها به آن می‌پردازیم.

^۱ . ALexander

1

^۱ . Surratt

2



یافته های پژوهش

مطالعه متون مربوط به روسپیگری نشان می دهد در ارتباط با این پدیده و نحوه مواجهه با آن در سطح جهانی نگرش های متفاوتی وجود دارد. در محافل علمی برخی از اندیشمندان روسپیگری را امری معمول و طبیعی دانسته و آن را نوعی شغل و راه کسب درآمد برای زنان می دانند (لانگ، ۲۰۱۳). همچنین نظریه پردازان کارکردگرا روسپیگری را جهت حفظ نظم اجتماعی و نهاد خانواده ضروری می دانند. دیویس (۲۰۰۱) در تبیین این موضوع تئوری کارکردگرایی تاکید می کند که روسپیگری به عنوان یک «سوپاپ اطمینان» به حفظ و پایداری ازدواج کمک می کند. مثلا در عصر ویکتوریا در بریتانیا که در خصوص فعالیت های جنسی خیلی سخت گیری می شد، روسپیگری رونق پیدا کرد. این راهی است برای مردان تا بتوانند در شرایطی که همسرشان باردار بوده و یا مشغول مراقبت و پرستاری از کودکان است، نیازهای جنسی خود را برآورده سازند. بنابراین روسپیگری از طریق ارضاء نیاز جنس مرد در شرایطی که کمتر می تواند با همسرش رابطه داشته باشد کارکرد مثبت نهاد خانواده را دارد.

6

در مقابل بسیاری از اندیشمندان اجتماعی روسپیگری را نمونه بارز خشونت جنسی، نابرابری جنسیتی، تعرض به حریم زنان، تضييع حقوق زنان و نگاه کالایی به زنان می دانند. در سطح ملی هم دولت ها سیاستگذاری های اجتماعی و قوانین قضایی متفاوتی را در ارتباط با روسپیگری به تصویب رسانده اند؛ در بسیاری از کشورها همچون آرژانتین، برزیل، آلمان، هلند، ترکیه، پرو، سنگال و کانادا روسپیگری جرم نیست و روسپیان و مشتریان آنها تحت پیگرد قانونی قرار نمی گیرند. بر عکس در برخی از کشورها همچون هند و مصر روسپیگری غیر قانونی است و افراد ذی نفع در این زمینه مورد پیگرد قانونی قرار می گیرند (موریس، ۱۳۸۱).

در کشور سوئد قانون جدیدی را در سال ۱۹۹۹ به تصویب رساندند که به مدل سوئدی مشهور است و بر اساس آن با مشتریان روسپیگری برخورد قانونی می شود نه با خود روسپیان (هولی، ۲۰۰۴).

در قوانین برخی از کشورهای دیگر مانند کنیا و ایران بعد از انقلاب تعریف دقیقی از روسپیگری و مجازات های مرتبط با آن ارائه نشده است. قبل از انقلاب اسلامی در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ روسپیگری جرم محسوب نمی گردید اما راه اندازی فاحشه خانه جرم بود. از سال ۱۳۵۷ با تاسی از آموزه های دینی، قوانین کیفری ایران در ارتباط با جرایم جنسی دستخوش تحولات اساسی گردید. روابط جنسی خارج از شرع و ازدواج تحت عنوان جرم تلقی گردید. به نظر می رسد

¹ . long 3
¹ Davis 4
¹ . Holi 5



قانونگذاران با جرم انگاری روابط زن و مرد (بدون جاری شدن صیغه عقد موقت و دائم) هیچ تعریفی از روسپیگری ارائه نمی دهند(همان).

رویکرد اصلاحی

این رویکرد با استفاده از شیوه های علمی فردنگر و روانشناختی سعی در پیشگیری، کاهش و کنترل پدیده روسپیگری دارد؛ در این نگاه با آگاهی دادن، آموزش و ارائه اقدامات مشاوره ای و روانشناختی به افراد آسیب دیده و در معرض آسیب در پدیده روسپیگری ورود می کند. به منظور پیاده کردن این رویکرد در سطح جامعه مهمترین و فعال ترین دستگاه سازمان بهزیستی می باشد که فعالیت خود را در سه سطح: پیشگیری، اصلاح و توانمند سازی اقتصادی و اجتماعی زنان روسپی قرار داده است:

سطح اول پیشگیری از بروز پدیده روسپیگری از طریق اطلاع رسانی، آگاه سازی و اجرای برنامه های آموزشی به کودکان، نوجوانان، جوانان در آستانه ازدواج، زوجین و زنان سرپرست خانوار در محلات و مناطق آسیب خیز شهری است. در سطح دوم با شناسایی افراد روسپی با تکیه بر اصول روانشناختی و مددکاری اجتماعی سعی در شناخت مسائل و مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد روسپی، اقدام به اصلاح رفتار آن ها می نمایند. برای این منظور مراکز بازپروری روزانه و شبانه روزی تاسیس گردیده است. و در سطح سوم از طریق تامین مسکن، اشتغال، معیشت و... در جهت استقلال اجتماعی و اقتصادی آنها گام بر می دارد.(معاونت امور اجتماعی بهزیستی خراسان شمالی، ۱۳۹۷).

شهرداری ها نیز(عمدتا در چند کلان شهر کشور) در کنار سازمان بهزیستی البته به صورت محدودتر در زمینه مدیریت و کاهش آسیب های اجتماعی فعالیت دارند. شهرداری تهران از معدود شهرداری هایی است که در زمینه آسیب های اجتماعی فعالیت می نماید و توانسته است با ایجاد نهادها و سازمانهای مختلف و اجرای برنامه های متعدد در حوزه آسیب های اجتماعی در محیط شهر تهران مداخله نماید(شهرداری تهران، ۱۳۹۷).

براساس مشاهدات صورت گرفته راه اندازی مراکز جهت جمع آوری افراد روسپی و تلاش برای اصلاح این افراد بر اساس رویکردهای روانشناختی و تک بعدی و غفلت از بستر اجتماعی آسیب زا در برنامه های کنترل و کاهش آسیب های دولت نشان می دهد شیوه اصلاحی به دلیل نگاه فردگرایانه و سطحی به مسائل اجتماعی و تحمیل نگرش های ایدئولوژیک و اخلاقی در برنامه ها نتوانسته موفقیت چندانی داشته باشد. عدم توجه به رویکردهای اجتماعی و کم توجهی به نقش جامعه شناسی در



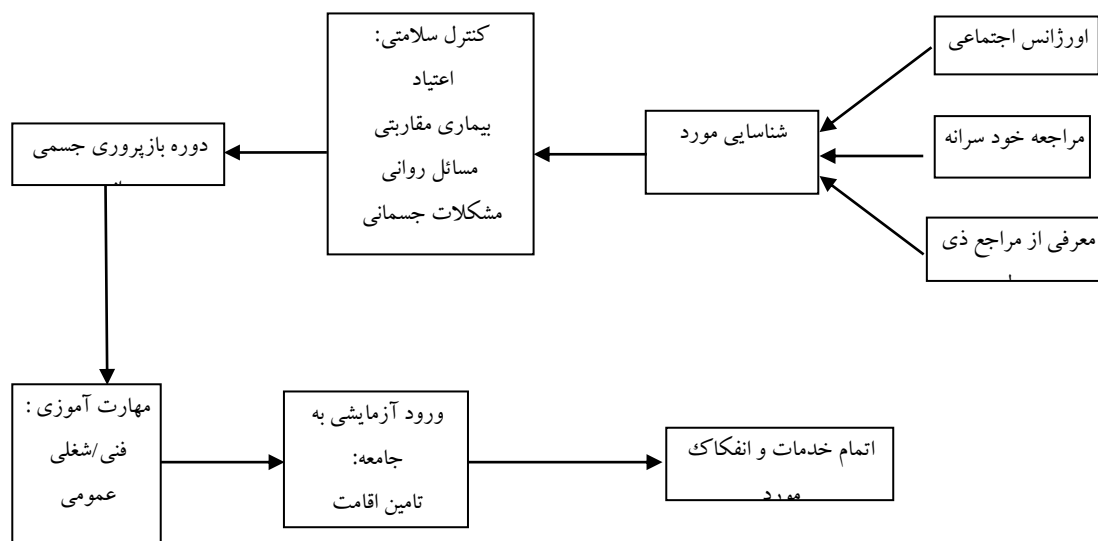
سیاست گذاری اجتماعی باعث اثرگذاری پایین رویکرد اصلاحی در کاهش آسیب اجتماعی روسپیگری و ناتوانی در ارتقاء موقعیت اجتماعی افراد آسیب دیده شده است.

فرد، خانواده یا جامعه: راهبرد بهینه توانمندسازی زنان روسپی

با توجه به تجربه زیسته محقق در بهزیستی و مشاهدات انجام گرفته و نیز بررسی دستورالعمل های دفتر آسیب های اجتماعی بهزیستی می توان گفت در مواجهه با روسپیگری، بویژه در گروههای فقیر و کمتر برخوردار رویه های غالب در سال های اخیر معطوف به پیاده سازی مدل های توانمندسازی بوده است (دستورالعمل بازپروری زنان آسیب دیده اجتماعی، ۱۳۹۹؛ دستورالعمل خانه سلامت دختران آسیب دیده و در معرض آسیب، ۱۳۹۹؛ دستورالعمل فوریت های اجتماعی، ۱۳۹۴). وجه مشترک این مدل ها تاکیدشان بر تسهیل دسترسی به فرصت ها و منابعی است که کنشگران اجتماعی مورد نظر با تکیه بر آن ها امکان فعال سازی ظرفیت های مغفول مانده درونی شان را پیدا می کنند و به تبع آن از مجالی دوباره برای رشد و توسعه زندگی فردی و جمعی شان برخوردار می شوند. در عین حال بسته به آن که مرکز ثقل تعریف فرایند توانمندسازی معطوف به چه سطحی از کنشگری فعال و خلاق در دو سوی عامل توانمندکننده و توانمندشونده باشد می توان بین سه دسته از راهبردهای توانمندسازی گروههای در معرض مسائل اجتماعی جامعه هدف این تحقیق تمایز قائل شد. در ادامه هر یک از این سه نگاه راهبردی به اختصار شرح داده می شود.

۱- راهبرد نخست: توانمند سازی فرد محور

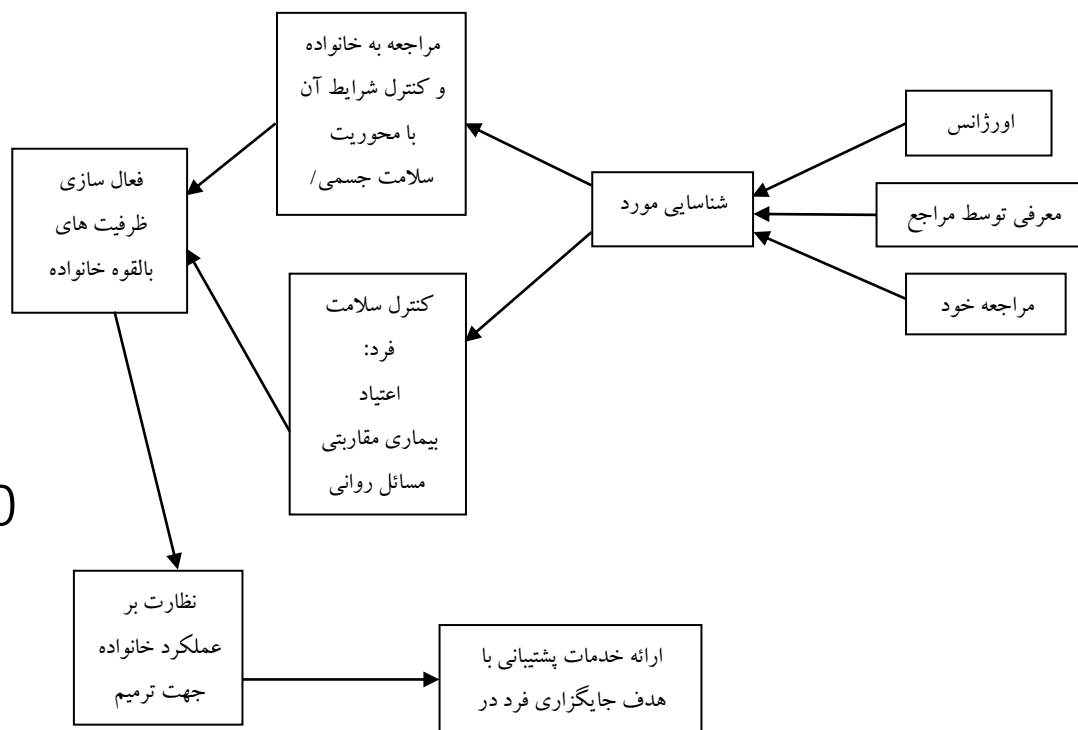
نخستین موج از مدل های توانمندسازی که نسبتی نیز با رونق رویکردهای معرفت شناختی فردگرایانه در دهه های پیشین و در جوامع توسعه یافته دارد تمرکز اصلی خود را متوجه ظرفیت های فردی و عوامل و شرایط محرک این ظرفیت ها می کند. از چنین منظری که هنوز نیز می توان حضور قدرتمندی از آن را در رویه های اجرایی مصوب دید، یک سازمان مداخله گر می تواند پس از شناسایی یک مورد معین (در اینجا یک زن روسپی عمدتا فقیر)، با ارائه مجموعه ای از خدمات مقدماتی که عمدتا ناظر بر احراز و یا احیای سلامتی جسمانی و روانی وی است و تداوم این مسیر با عرضه خدمات آموزشی، مهارتی و در نهایت امکان دسترسی فرصت های درآمد زایی جایگزین، نسبت به توانمندسازی مراجعان و یا جامعه هدفش اقدام کند.



شکل 1 فرایند توانمندسازی فرد محور

۲- راهبرد دوم: توانمند سازی خانواده محور

در دومین دسته از مدل های توانمندسازی که در ارتباط با بهبود شرایط و کیفیت زندگی زنان روسپی فقیر و گروههای مشابه به کار گرفته می شوند، سازمان یا طرف مداخله گر در پی آن است تا نقطه کانونی تمرکز را از فرد به واحد خانواده منتقل نماید. بر این اساس جدای از برخی خدمات متداول و عمومی در مقیاس فردی، تلاش می شود تا هزینه اصلی بر ایجاد



10

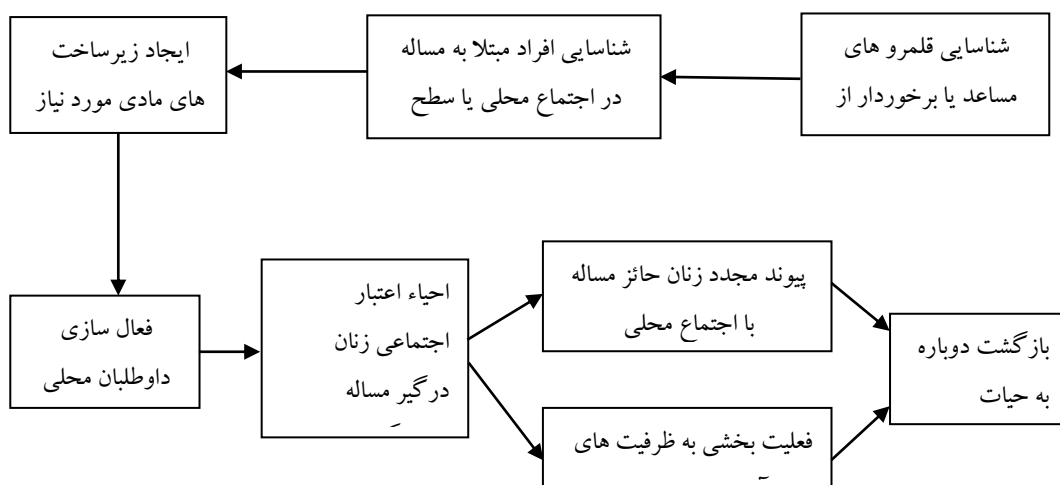
زمینه برای مشارکت فعال خانواده در مسیر توانمندسازی افراد مورد نظر قرار گیرد. این رویکرد مشتمل بر پیش فرضی کلیدی است که مطابق با آن در هر شرایطی خانواده می تواند به صورت بالقوه یا بالفعل قلمروی برخوردار از اولویت و مطلوبیت کافی جهت تعریف به عنوان بستر فرایند توانمندسازی کنشگران مورد نظر باشد.

شکل 2 فرایند توانمندسازی خانواده محور

۳- راهبرد سوم: توانمند سازی اجتماع محور

سومین مجموعه از مدل های توانمندسازی که به لحاظ سابقه عرضه و بکار گیری در مجامع و جوامع مختلف نیز بیش و کم نو ظهور تر از مجموعه های پیشین به نظر می رسند، و در عین حال در سطح سازمان های حمایتی ما کمتر مورد استفاده قرار می گیرد، کار در سطح اجتماع محلی و با تکیه بر ظرفیت های جمعی تشکیل یافته در این سطح را به عنوان محور اصلی فعالیت های خود مطرح می سازند. بر این اساس سازمان یا عامل مداخله گر عمدتاً در قالب یک ظرفیت پشتیبان و

سامان دهنده نیروهای تسهیل گری عمل می کند که در بستر و قلمرو اجتماعی مورد نظر مواجهه مستقیم با مساله احصاء شده را به پیش می برند. طبیعتاً در این دسته از مدل های راهبردی، شاخص توانمندی مشارکت و حضور فعال گروه های هدف در نسبتی مشابه و برخوردار از منزلتی بیش و کم متناظر با سایر اعضا اجتماع محلی مورد نظر است.



شکل 3 فرایند توانمندسازی اجتماع محور

هرچند هر یک از رویکردهای مورد اشاره در مواجهه با زنان روسپی برخوردار از ظرفیت های قابل تاملی است اما به نظر می رسد به سه دلیل مشخص راهبردهای جامعه محور از قدرت نفوذ و توان اثر گذاری بیشتر و ماندگار تری در این ارتباط برخوردار باشند. نخست این که روسپیگری به همان میزان که می تواند مساله ای فردی انگاشته شود ریشه هایی در شرایط خانوادگی و فراتر از آن قلمرو اجتماعی پیرامونی افراد مورد نظر دارد. بنابراین تمرکز بر سطوح پایین تر می تواند دستاوردهای حاصل را تحت تاثیر عوامل قرار گرفته در سطوح بالاتر خنثی سازد. دوم آن که اساساً ظرفیت های پشتیبانی در سازمان های مداخله گر عمومی و دولتی تناسب کافی با ابعاد مسائل اجتماعی از قبیل پدیده روسپیگری ندارد. حتی در بسیاری از موارد مبتنی بر نگاهی واقع بینانه می توان ادعا کرد که نه تنها خود افراد که خانواده های آن ها نیز ظرفیت های مازاد چندانی برای پشتیبانی از آن ها در مسیر غلبه بر مشکلات شان ندارند. در حالیکه شواهد مختلف گویای برقراری چنین ظرفیت هایی در



اجتماعات محلی و واحد های مدنی فعال یا قابل فعال سازی در این سطح است. در نهایت آنچه سطح جامعه ای را برای مداخلات توانمندسازی را نسبت به دو سطح دیگر برخوردار از مزیت نسبی می سازد معطوف به امکان قابل توجه موجود در این سطح برای انباشت تجارب، دست به دست کردن ظرفیت ها و منابع موجود و به تبع اینها پایدار سازی دستاوردهای حاصل از پیاده سازی مدل های توانمند سازی گروههای هدف از جمله زنان روسپی فقیر است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس رویکرد اجتماعی جهت توانمندسازی زنان و جلوگیری از گرفتار شدن در چرخه فقر، بی پناهی و بهره کشی جنسی توجه به وضعیت معیشتی و اشتغال زنان امری ضروری است. در واقع اشتغال مناسب و پایدار در محیط کاری امن جهت جلوگیری از زنانه شدن فقر و افزایش توانمندسازی اقتصادی - اجتماعی زنان باید در سیاست گذاری اجتماعی دولت در اولویت قرار گیرد. همچنین چتر حمایتی دولت در زمینه تامین مسکن، بیمه و معیشت زنان باید گسترش یابد. چرا که بسیاری از زنان روسپی پس از طرد از سوی خانواده دچار بی پناهی اجتماعی شده و حمایت اجتماعی لازم را دریافت نکرده اند. در نهایت جهت بازپروری زنان روسپی تحت حمایت سازمان بهزیستی، تخصیص اعتبارات کافی، افزایش اختیارات این سازمان و کاهش دخالت سایر ارگان های دولتی که نگاه سلبی به موضوع روسپیگری دارند در حیطه وظایف سازمان بهزیستی ضروری است. هرچند موارد فوق الذکر در زمینه بازپروری زنان روسپی موثر است اما با توجه به شرایط ویژه ای که زنان روسپی دارند و وجود مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی که این زنان با آن مواجه هستند، توانمندسازی و بازگشت شان به زندگی عادی و مستقل کاری بس مشکل بوده و نیازمند ارائه مدل ها و راهکارهای نوین بازتوانی و بازپروری است. در پایان چند پیشنهاد جهت کاهش و کنترل پدیده روسپیگری و توانمندسازی این افراد ارائه می گردد:

- با توجه به شرایط روسپی ها و قوادان و مشتری های آنها، به جای برخورد تنبیهی، بایستی برخورد ترمیمی با عوامل درگیر در روسپیگری صورت گیرد. در حال حاضر مراکز بازپروری بیشتر شبیه به زندان بوده و زنان روسپی ارجاعی توسط مراجع قضایی در این مراکز به عنوان مجرم نگهداری می شوند و حق ورود و خروج و ترخیص بدون اجازه دادسرا ندارند. در صورت فرار از این مراکز علاوه بر زنان فراری، مسولین مراکز بازپروری نیز توسط دادسرا مواخذه می شوند. این نوع نگاه به حوزه بازتوانی عملاً باعث شکست در برنامه ها شده است. در واقع نگاه علمی به برنامه های توانمند سازی بر مشارکت فعال و داوطلبانه فرد آسیب دیده تاکید دارد که با نگاه قهری و اجباری قضایی همخوانی ندارد.

- طرح های توانبخشی، بازپروری و توانمند سازی زنان روسپی به جای اینکه توسط دستگاههای دولتی صورت گیرد بایستی توسط انجمن های مردم نهاد و با کمک زنانی که قبلاً تجربه موفق خروج از چرخه روسپیگری را داشته اند و همچنین با نظارت دستگاههای متولی دولتی صورت گیرد. در حوزه اعتیاد انجمن های NA در راستای ترک اعتیاد نسبتاً موفق بوده است. همچنین تشکیل گروه های همیار زنان نیز در راستای توانمند سازی زنان سرپرست خانوار



موفقیت هایی داشته است. در همین راستا تشکیل گروه های خودیار زنان روسپی نیز می تواند با مشارکت، همفکری، هم افزایی و انتقال تجربیات موفق شان در کاهش آسیب و توانمندسازی موثر باشد.

- برنامه های آموزشی تربیت کودکان، مراقبت های پزشکی، مشاوره، حمایت های مالی و بازاریابی کار و آموزش مهارت های شغلی نمونه هایی از فعالیت های سازمان های غیر دولتی در راستای توانمند سازی زنان روسپی می تواند باشد.

- اجرای برنامه های آگاه سازی عمومی در سطح جامعه توسط نهادهای فرهنگی برای ایجاد انگیزه و آگاهی و خودباوری و همچنین حمایت های عاطفی و روانی جهت مقابله زنان روسپی با لکه ننگ بدنامی و برچسب روسپیگری در جهت ورود فعال این افراد به جامعه.

- پیگیری مستمر وضعیت اجتماعی و اقتصادی این افراد بعد از پایان دوره بازپروری و ارائه حمایت های اجتماعی مکمل توسط سازمان های دولتی مختلف در قالب برنامه های مسئولیت اجتماعی دستگاه ها و همچنین توسط انجمن های خیریه و غیر دولتی

- بر اساس مشاهدات و مصاحبه های صورت گرفته، اشتغال و مسکن از بزرگترین دغدغه های زنان روسپی پس از خروج از مراکز بازپروری می باشد. لذا ارائه مساعدت های مالی برای زنان علاقمند به خروج از چرخه روسپیگری ضروری به نظر می رسد.

- مطالعات مختلف نشان می دهد که بیشتر زنان روسپی گرفتار اعتیاد بوده و همین امر توانمندسازی آنها را با مشکل مواجه کرده است. لذا انجام طرح های توانبخشی دوره ای پیوسته برای درمان روسپیان معتاد ضروری است.

منابع

بهزیستی خراسان شمالی (۱۳۹۴). معاونت امور اجتماعی. سند کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی.

بهزیستی خراسان شمالی (۱۳۹۴). معاونت امور اجتماعی، دستورالعمل های تخصصی مراکز بازپروری زنان، خانه سلامت دختران، مرکز مداخله، ندای مهر، فوریت های اجتماعی.

بهزیستی کشور (۱۳۹۸). دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی معاونت امور اجتماعی. سالنامه آماری.

جربانی حمید (۱۳۸۹) بررسی آماری جرایم زنان ایران. مجله حقوقی دادگستری. ۷۴(۷۲): ۷۱-۱۱۷.

شجاعی لیلا و درویشی، نسرين (۱۳۹۵). مطالعه ی تطبیقی ؛ تغییرات روسپی گری خیابانی و روسپی گری مجازی در گذر زمان. ماهنامه علوم انسانی. ۱(۱۲).

شهرداری بجنورد (۱۳۹۷). معاونت خدمات شهری. سند توانمندسازی سکونتگاه های غیر رسمی



موريس جك (۱۳۸۱). روسپيگري: قوانين، واقيت ها. ترجمه حمزه زينالي. فصلنامه رفاه اجتماعي. دانشگاه علوم بهزيستي و توانبخشي. (۵):

۲۷۰-۲۵۳

Cho, S. Y., Dreher, A., & Neumayer, E. (2013). Does legalized prostitution increase human trafficking? *World Development*, 41, 67-82.

Chatterjee, P., Chakraborty, T., Srivastava, N., & Deb, S. (2006). Short and long-term problems faced by the trafficked children: a qualitative study. *Social Science International*, 22(1), 167-182.

Davis, K. (2001), the sociology of prostitution, published by: American sociological association. Vol. 2, No. 5.

Dewey, S. (2008). *Hollow bodies: institutional responses to sex trafficking in Armenia, Bosnia, and India*. Kumarian Press.

Gayen, S. (2006). Innovative approaches to combat trafficking of women in the sex trade. *Inter-Asia Cultural Studies*, 7(2), 331-337.

Holli, A. (2004, June). Debating prostitution/trafficking in Sweden and Finland. In *Second pan-European Conference*.

Kara, S. (2009). *Sex trafficking: Inside the business of modern slavery*. Columbia University Press.

Kempadoo, K., & Doezema, J. (Eds.). (2018). *Global sex workers: Rights, resistance, and redefinition*. Routledge.

Long, B. (2012). Freedom for Women in the Sex Work Occupation: Twenty-Three Reasons Why Prostitution Should Be Legalized In America. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2 (16), 24-33.

Ploumen, L. (2001). Mama Cash: Investing in the future of women. *Gender & Development*, 9(1), 53-59.

Qayyum, S., Iqbal, M. M. A., Akhtar, A., Hayat, A., Janjua, I. M., & Tabassum, S. (2013). Causes and Decision of Women's Involvement into Prostitution and its Consequences in Punjab, Pakistan. *Academic Research International*, 4(5), 398.

Scelles. F (2016), prostitution: exploitation, persecution, repression, 4th global report, economica, Paris, France.

Strong, B., DeVault, C., Sayad, B. W., & Yarber, W. L. (1997). *Human sexuality: Diversity in contemporary America*. Mayfield Pub.

Scott, K. W. (2004). Relating the categories in grounded theory analysis: using a conditional relationship guide and reflective coding matrix. *The qualitative report*, 9(1), 112-126.

Surratt, H. L., Kurtz, S. P., Weaver, J. C., & Inciardi, J. A. (2005). The connections of mental health problems, violent life experiences, and the social milieu of the "stroll" with the HIV risk behaviors of female street sex workers. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 17(1-2), 23-44.

Taylor, (2010), Independent Domestic Violence Advocates: information briefing December 2010 Prostitution and domestic violence, in against violence and abuse (ava), government office London.